

شاخت عادات نامطلوب در کودکان

صوفیا آرزومانیان

حسادت

حسادت یک واکنش طبیعی است که تمامی کودکان به نوعی آن را از خود نشان می دهند. بعضی از نشانه های حسادت مبهم است، لذا والدین به وجود آن پی نمی برند و ممکن است اشتباهاً "اظهار نمایند که کودکانشان فاقد چنین خصلتی هستند. به دلیل وجود تشابه رفتاری در کودک، گاهی از اوقات پزشکان از پی گیری بیماری جسمی غافل می شوند.

علل:

کودک به دلیل از دست دادن محبت مادر که شدیداً نیازمند آن است دچار ترس می شود. این گونه احساس در هر شرایطی که کودک احساس عدم امنیت نماید عارض می گردد، مثل محافظت بیش از حد، تحکم



افراطی، عدم تحمل و تحریک - پذیری والدین، بی انضباطی. زمانی این حالت بروز می کند که مادر همواره کودک را تهدید به ترک نماید. هنگامی که کودک در حالت عدم امنیت، رها می شود مسائل ناشی از حسادت با تولد کودک دوم تشدید می یابد. کودک این موقعیت را از دست دادن کامل محبت تعبیر می کند، ضمن اینکه آثار این حالت را از مدتی پیش حس می کند، چرا که اطاق خواب او را به دلیل ورود نوزاد از وی گرفته اند و حتی درصدد هستند که به دلیل غیبت مادر وی را به مکان دیگری انتقال دهند. مادر به هنگام بازگشت به منزل (منظور پس از زایمان) زمان کمتری را به کودک اول اختصاص می دهد، ضمن

اینکه خسته و تحریک پذیر است ، درحالی که کودک اول در اوج حسادت بوده ، بیش از پیش به محبت وی نیازمند است . دوستان بی ملاحظه نیز کودک نوری را به هرنحوی مورد محبت قرار داده ، همراه خود هدایایی نیز برای او می آورند ، درحالی که هیچ گونه صحبتی با کودک ۲ یا ۳ ساله نمی کنند . فرد بی ملاحظه دیگری ممکن است ضمن بی توجهی به این مسأله ، حتی احساس کودک اول را مورد تمسخر قرار دهد .

غالبا " اتفاق می افتد که تولد کودک دوم دقیقا " در موقعیتی است که کودک اول شیدیدا " وابستگی را نسبت به مادر نشان می دهد . هر قدر فاصله سنی بین کودک اول و دوم کمتر باشد واکنش حسادت شدیدتر خواهد بود .

همزمان با رشد ، ممکن است واکنشهای دیگری نسبت به ازدست دادن محبت والدین بروز کند . پدر هنگام بازگشت از کار روزانه ممکن است سهوا " همواره کودک دوم را در آغوش گرفته ، به او اظهار محبت نماید ، ضمن اینکه به کودک بزرگتر دائما " هشدار داده می شود که به کودک دست نزند یا اینکه مواظب باشد به او آزار نرساند . با گذشت زمان کودک دوم ممکن است اسباب -

بازیها را از دست کودک اول چنگ بزند و چنانچه وی اعتراض نماید با سرزنش شدید والدین مواجه می شود . در این شرایط غالبا " والدین از کودک خردسالتر دفاع کرده ، با اظهار این جمله که " وی کوچکتر است و درک نمی کند " ، فرزند بزرگتر را تنبیه می کنند . درک این موقعیت برای کودک بزرگتر سخت است ، لذا مجددا " رنجش خاطر وی فراهم می شود .

مقایسه ای که بین فرزندان صورت می گیرد می تواند علت خاص این پدیده باشد . نه تنها این چنین اظهاراتی باعث پیدایی خصومت می شود ، بلکه منجر به حس عدم امنیت ، احساس حقارت یا سرکشی در کودک می گردد . دختر خردسالی که برای پوشیدن لباسهای خواهر بزرگتر تحت فشار قرار می گیرد ، حس حسادت در وی ایجاد خواهد شد . هنگامی که کودک ۳ ساله با برادر کوچکتر از خود به رستوران یا مکانهای عمومی برده می شود ، توجه مردم به کودک خردسالتر جلب می گردد که این نیز می تواند باعث انقباض حسادت شود . چنانچه والدین نیز در حضور کودک به یکدیگر محبت نمایند می تواند واکنش مشابهی در کودک ایجاد کند ، همچنین این حس ، در مرحله ای که کودک خردسال (دومین کودک) رفتن به

مدرسه را آغاز نماید ، شدت خواهد گرفت .

اصولا " وجود هرگونه طرفداری از هریک از فرزندان ، می تواند انگیزه حسادت را در کودکی که فاقد آن است به وجود آورد . حسادت در دوقلوها می تواند مسأله ساز باشد ، خصوصا " اگر یکی از آنان باهوشتر از دیگری باشد .

نشانه ها :

نشانه های حسادت ممکن است آشکار باشد ولی غالبا " با رفتار مبهم عاطفی توأم است ، به طوری که بندرت فرد باهوش می تواند با اطمینان آن را به حسادت نسبت دهد . هنگامی که کودک بزرگتر به سرکودک خردسال بدون دلیل ضربه وارد کرده ، یا هنگام بغل کردن وی (توسط دیگران) تق می زند ، نسبت دادن این حالت به حسادت ساده است ، ولی هنگامی که مدت کوتاهی پس از رسیدن کودک نوری ، وی به عادات شیرخوارکی روی آورده ، رفتارهایی نظیر مکیدن انگشت شست ، خیس کردن رختخواب ، پذیرفتن مسؤلیت در صرف غذای خود ، تمایل به بغل گرفته شدن تخریب کننده و منفی گرا شدن را انجام می دهد ، علت رفتار ممکن است آشکار نباشد . تحت نظر

گرفتن بازی دختر بچه با عروسکهایش و نحوه مکالمه او با آنان ممکن است ماهیت حقیقی آشفتنی را برای مادر روشن سازد. کودک قادر به بیان احساسات خود با کلمات نیست، مع هذاپرباشی خود را به صورت اشکالات رفتاری نشان می دهد. هنگامی حسادت مسأله ساز می شود که فرصتی برای کودک فراهم گردد که به این گونه رفتارها ادامه دهد. در اینجاست که تاءثیر دائمی در شخصیت کودک گذاشته منجر به ابراز تهاجم، خودخواهی یا ایجاد عقده حقارت می شود.

پیشگیری

مهمترین عامل پیشگیری از حسادت، محبت، درک و تفاهم و تاءمین امنیت تواءم با انضباط معتدل است. هنگامی که فرار است کودک دیگری به دنیا بیاید، تدابیر باید به گونه ای اتخاذ گردد که از بروز حسادت در بدو حاملگی خودداری شود. کودک بزرگتر نباید در هنگام ورود نوزاد به جمع خانواده به مهد کودک فرستاده شود یا اینکه اطاق خواب وی تخت وی تغییر یابد. این گونه تغییرات باید خیلی زودتر از تولد کودک دیگر انجام شود. بایست اجازه داد که فرزند اول در خرید وسایل نوری شرکت نماید. هنگام

مراجعه مادر به بیمارستان بهتر است که کودک در منزل ماندگار شود و کسی مسؤولیت مراقبت از وی را به عهده گیرد. در غیر این صورت باید در منزل یکی از بستگانی که کودک به او علاقه مند است نگه داری شود. رها کردن کودک با افراد بیگانه اشتباه است. هنگامی که نوری به منزل آورده می شود، نخستین واکنش را در کودک باید به خاطر سپرد. تمامی اهل خانه حول وحوش کودک نوری صحبت نموده یا فعالیتی را انجام می دهند. این امور گرچه اجتناب ناپذیر است ولی باید به حد اقل برسد و کودک بزرگتر نباید احساس کند که کسی فرصت مراقبت از وی را ندارد. باید کودک را تشویق کرد که در حمام دادن نوری و تعویض کهنه او شرکت نماید. هنگامی که وی مایل است با نوری بازی کند، بازی آنان باید تحت نظر قرار گیرد، تا زمانی که از حسن نیت او اطمینان حاصل نمایم. هنگامی که مادر، کودک خردسال را بغل می کند، پدر نیز باید کودک بزرگتر را در آغوش بگیرد، به این صورت که هرگونه کوششی باید انجام گیرد تا او درک نماید که کماکان دوست داشتنی و قابل احترام است. برخی از والدین در این کار افراط کرده،

سعی می کنند که از بروز حسادت به هر نحوی پیشگیری نمایند.

درمان:

چنانچه والدین پی به ماهیت مسأله ببرند، نیمی از آن حل شده است. والدین نباید احساس یا تصور کنند که این کار خیانت است، بلکه باید آن را یک مسأله طبیعی تلقی نموده، با درک و تفاهم آن را حل و فصل نمایند. در نحوه رفتار با کودک باید کاملاً "تجدید نظر شود تا اینکه امکان تصحیح نشانه های مختلف حسادت به وجود آید. از تمامی عواملی که می تواند سبب حسادت شود باید پرهیز نمود. هنگامی که حسن نارضایتی در کودکان به دلیل عدم سهم شدن در یک شیرینی یا خوراکی دیگر ایجاد می شود، بهترین شیوه برای برطرف کردن این حس، تقسیم شیرینی به دو بخش مساوی می باشد. هنگامی که حسادت بشدت تظاهر می کند باید با هشیاری کامل آن را برطرف ساخت، زیرا احتمال وقوع خطر وجود خواهد داشت. هنگامی که فرزند اول کودک نوری را اذیت می کند نباید او را سرزنش نمود یا اینکه به تنبیه مبادرت

کودکی که هرگز فرصت ارتباط با افراد بالغ و کودکان دیگر نیافته است، احتمالاً " کمرو خواهد بود. بخشی از کمرویی را می توان با فراهم کردن موقعیت بازی با دیگران (ازبدو شیرخوارگی) پیشگیری نمود. بخشی دیگر را نیز می توان به طرق دیگر برطرف ساخت، مثل ناهمین محبت، امنیت، اعتماد به نفس و دادن حس غرور به دلیل مهارتهایی که او یاد گرفته است. درمان این پدیده آسان نیست. علل را باید برطرف کرد. نباید کودک را سرزنش نمود. روانیست که در حضور کودک از کمرویی وی صحبت شود. گفتن اینکه نباید کمروباشی " کار صحیحی نیست. باید موقعیتی را فراهم ساخت تا کودک دوستانش را دعوت کند و خود نیز به دیدن آنان برود که در ابتداء بهتر است مادر با او همراهی نماید. باید تشویق نمود، کودک با همسالان خود بازی کند نه اینکه وی را به طرف کودکان در حال بازی هل داد. در ضمن باید با درک و تفاهم، مسأله کمرویی کودک را پذیرفت.

ملاحظاتی اندک می باشد. شاید اولین علامت این حالت در ۴ ماهگی باشد، هنگامی که کودک در پاسخ به افراد بیگانه، چهره خود را برمی گرداند. پس از سیری کردن سال اول، وی تمایل دارد که هنگام برخورد با دیگران، چشمهای خود را بسته، کاملاً ساکت شده، سر را به عقب بکشانند و در پشت مادر پنهان گردد. کودک ۲ یا ۳ ساله هنگامی که مادرش او را در کنار کودکان دیگر رها کرده، دور می شود، گریه می کند. وی از انجام بازی در طول آن مدت خودداری می کند و صرفاً " بی - حرکت می ایستد و آرام و غمگین به نظر می رسد. این گونه کودکان در هنگام سخن گفتن هیچ گونه عکس العملی نشان نمی دهند. بخشی از کمرویی مشخصات وراثتی دارد، ولی بخشی دیگر دارای منشأ تکاملی و محیطی است. والدینی که ۲ یا چند فرزند دارند خوبی می دانند که کدامیک از فرزندان آن خجالتی است، کجچه از نظر تربیت تفاوت قابل توجهی وجود نداشته است. محیط یک عامل اساسی است.

کرد، مگر آنکه خطری، کودک نارس را تهدید نماید. این گونه رفتار احساسات کودک اول را جریحه دار می کند و او متقاعد خواهد شد که از محبت والدین برخوردار نیست. باید علت را جویا شد و صرفاً " در پی تسکین علایم و نشانه ها نبود. حسادتی را که به صورت ترس جلوه می کند باید با محبت برطرف ساخت. تنبیه بدنی به دلیل خیس کردن رختخواب یا سایر نشانه های حسادت، می تواند به نسبت یکسان آسیب زا باشد و عدم امنیت وی را شدت بخشد. باید با انحراف فکر کودک، از این گونه رفتارهای نامناسب پیشگیری کرد. از هر گونه عاملی که سبب عدم امنیت شود مثل: خشم، تحریک پذیری، هشدارهای مداوم و توقعات بی مورد باید پرهیز شود. علاوه بر کلیه موارد مذکور از جانبداری و یا مقایسه بین دو کودک باید جداگانه امتناع کرد.

کمرویی

کمرویی مسأله ای شایع و مهم است ولی تحقیقات در پیرامون این مطلب بطور قابل

منبع:

1- ILLINGWORTH, RONALD S. THE NORMAL CHILD. SOME PROBLEMS OF EARLY YEARS AND THEIR TREATMENT, 8TH ED., NEWYORK: 1983.